

# زندگی و آثار آلبرت هوتوم شیندلر

## ایران‌شناس نامی عصر قاجار

حسین مسرت

پژوهشگر و یزدشناس

پیشکشی ناقابل به روان استاد جمشید مظاهری (سروشیار)، ایران‌شناس و نسخه‌شناس نامی کشور که در راه سربلندی فرهنگ و ادب ایران‌زمین کوشش‌های درخور ستایشی داشت.

آلبرت هوتوم شیندلر<sup>۱</sup> در ۲۴ سپتامبر (نیک‌بین، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۲۵۱: ۱۶ ژوئن) ۱۸۴۶م در اتریش به دنیا آمد. «مهندسی دانش‌آموخته دانشگاه لایپزیگ آلمان بود. او در ۱۸۶۸م برای کار تلگراف به ایران آمد و هشت سال پس از آن دولت ایران وی را برای بازرسی خدمات تلگراف استخدام کرد. در ۱۸۸۲م او مدیر کل معادن فیروزه خراسان شد. هفت سال پس از آن بازرس بانک شاهنشاهی شد. در ۱۸۹۴م برکنار شد؛ ولی دو سال پس از آن دوباره دولت وقت ایران وی را به‌عنوان رایزن در مسائل گوناگونی به‌ویژه مسائل مربوط به بیگانگان به خدمت گرفت» (ویکی‌پدیا) اما نیک‌بین می‌نویسد که «بدواً در سرویس تلگرافخانه هند و اروپا خدمت می‌کرده و در ۱۸۷۶ مشاور تلگرافی ایران در وزارت پست و تلگراف ایران بوده است. در مدت مأموریت خود در ایران اطلاعات جغرافیایی فراوانی از سرزمین این کشور به دست آورده و در ۱۸۹۳ به مدیریت کل بانک شاهنشاهی ایران و پس از آن به سمت بازرس کل بانک منصوب شده و بعداً مشاور نظامی دولت ایران گردیده است» (نیک‌بین، همان: ۱۲۵۲-۱۲۵۱). وی به مدت سی سال مستشار دولت ایران بود. ایرج رودگر کیا که به نادرست نام کوچک او را به نقل از کتاب *انگلیسی‌ها در میان ایرانیان*، الکساندر نوشته است، درباره گزارش کارهای او در ایران می‌آورد: «از جمله کارشناسانی که در

۱. ژنرال سر آلبرت هوتوم شیندلر (General Sir Albert Houtum-Schindler) (1916- 1846)



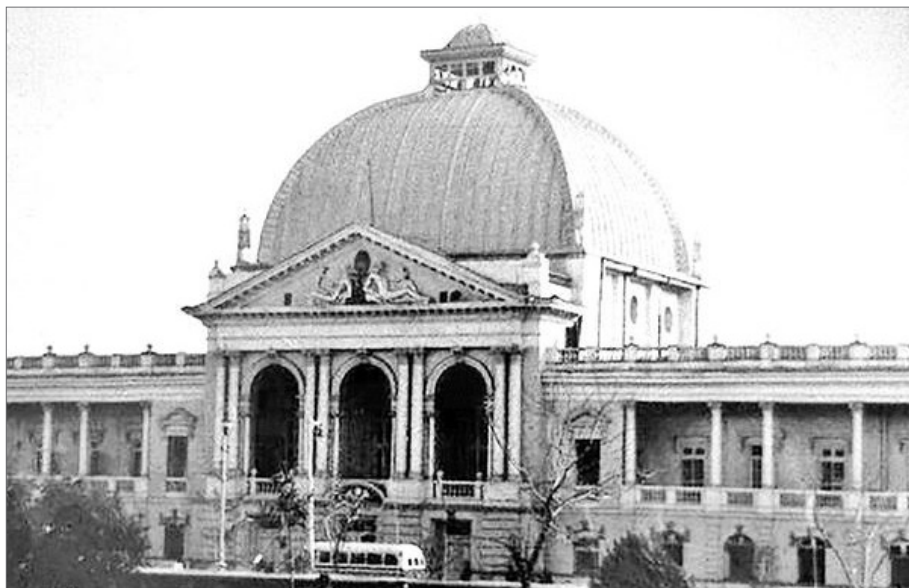
هوتوم شیندلر

سال ۱۲۹۱ هـ ق (۱۸۷۴/م ۱۲۵۳ ش) به استخدام دولت ایران درآمد، یکی هم ژنرال الکساندر هوتوم شیندلر... است. شیندلر سالها در تشکیلات کمپانی تلگراف هند اروپا در ایران مشغول خدمت بود و سال مذکور، همراه با یک هیأت کارشناسی سیزده نفره به‌طور رسمی به خدمت دولت ایران درآمد. ابتدا در وزارت علوم که ادارات تلگراف و معادن ایران زیر نظر آن وزارتخانه بود، به سمت مشاور در اداره تلگراف مشغول به کار شد و چندی بعد به‌عنوان مسؤؤل تعمیر خطوط تلگراف مشغول خدمت شد و به تمام نقاط ایران سفر کرد» (رودگرکیا، ۱۳۸۵: ۵۷-۵۸).

او را از صاحب‌منصبان آلمانی هم می‌دانند که به تابعیت انگلستان درآمده و در ایران مستخدم شده بود. (رایت، ۱۳۶۴: ۲۱۶) مخبرالدوله او را به‌منظور استفاده در کارهای مربوط به تلگراف استخدام کرد. مخبرالسلطنه (مهدیقلی هدایت)، پسر مخبرالدوله درباره او می‌نویسد: «شیندلر صاحب از اجزای تلگرافخانه انگلیس بود که پدرم او را اجیر کرده بود، مردی آگاه بود. در اکثر ولایات برای سرکشی و تعمیر سیم مسافرت کرده [و] نقشه از راهها برداشته بود، نه از روی مساحی بلکه از روی تخمین مسافت به قدم اسب، چند زبان می‌دانست». (هدایت، مهدیقلی، ۱۳۴۴: ۴۳) در بسیاری از کتابها به‌ویژه *تاریخ مؤسسات تمدنی ایران* تحقیق جامع حسین محبوبی اردکانی، تصریح شده که شیندلر جزء نخستین کسانی بود که در ایران تلگراف کشید (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۷، ج ۲: ۲۱۱ و ۲۲۹). از جمله آثار او که در ایران چاپ شده است، سفرنامه‌ای است که به نام‌های «سفرنامه مشهد و خراسان» در کتاب *سه سفرنامه* به کوشش قدرت‌الله روشنی زعفرانلو و *سفرنامه شیندلر* به کوشش فرشاد ابریشمی چاپ شده که حاصل مشاهدات او در سفر از تهران به مشهد از نهم صفر تا دوم رمضان ۱۲۹۳ ق برای کشیدن سیم تلگراف است. و نام اصلی آن «سفرنامه تهران به شاهرود و طوس» است.

رودگرکیا می‌آورد که شیندلر از سال ۱۲۹۹ ق (۱۸۸۲/م ۱۲۶۱ ش) زیر نظر مرتضی قلی‌خان هدایت مشغول کار شد. سپس می‌نویسد مخبرالدوله وزیر علوم، اداره معادن را در اختیار شیندلر قرار داد و او در آن اداره دست به اصلاحاتی زد و تعدادی مهندس ایرانی را مأمور اکتشاف معادن طلا و نقره کرد و چند جواز هم صادر کرد، اما به سرانجامی نرسید (رودگرکیا، ۱۳۸۵: ۵۸). جمال‌زاده هم می‌نویسد: «شیندلر مدّت مدیدی در ایران دارای مأموریت‌های مهم سیاسی از جمله ریاست اداره تذکره بود» (جمال‌زاده، ۱۳۷۶: ۶۹).

با واگذاری امتیاز بانک شاهی و استخراج معادن در سال ۱۳۰۷ هـ ق (۱۸۹۰/م ۱۲۶۹ ش)،



بانک شاهنشاهی ایران

بارون ژولیوس رویتر، نامبرده را با توجه به تجربه قبلی‌اش از سالهای طولانی سکونت در ایران به‌عنوان رابط عالی خود در ایران انتخاب و به سمت رئیس اداره بانک معادن ایران استخدام کرد. (رایت، ۱۳۶۴: ۲۱۶-۲۱۵) درباره ادامه کار شیندلر در ایران، رودگرکیا می‌نویسد: «شیندلر سالها همکاری نزدیکی با ژوزف رابینو دی بورگاماله، رئیس بانک شاهی در ایران داشت... شیندلر از اواخر سال ۱۳۱۲هـ.ق (۱۲۷۴/م ۱۸۹۵ش) همکاری خود را با وزارت خارجه آغاز کرد و به عضویت اداره نوپایی به نام اداره رسیدگی به امتیازات درآمد... نامبرده تا سال ۱۳۲۴هـ.ق (۱۹۰۵/م ۱۲۸۴ش) در اداره واگذاری مشغول خدمت بود... لرد کرزن عنصر برجسته استعمار انگلیس در کتاب خود *(ایران و قضیه ایران)* ضمن تمجید از خدمات شیندلر از او به‌عنوان یکی از مأمورین برجسته انگلیس یاد کرده است» (رودگرکیا، ۱۳۸۵: ۵۹).

«به قول آقای تقی‌زاده: "مشارالیه در نزد مُطَلَعین بر مقامات علم او، محتاج به معرفی نیست و بلاشک در اطلاع بر اوضاع ایران و احاطه بر تمام امور آن در قرن اخیر، اولین شخص بود." (مجله کاوه، دوره دوم، ش ۵، ص ۱۱ به بعد و [مقالات تقی‌زاده، ج ۴، ص ۱۲۹]). وی مدتها در خدمت دولت بود و مشاغل مختلفی داشت که از جمله: مترجمی وزارت امور خارجه، ریاست اداره تذکره، مهندسی معادن و امثال اینها، و ظاهراً نخستین خدمت او همان است که خود در آخر رساله به آن اشاره کرده است. درجه ژنرالی او معلوم نیست که مربوط به حرفه نظامی است یا از درجاتی است که سابقاً در تلگرافخانه معمول بوده است» (روشنی زعفرانلو، ۱۳۵۶: ۲۳۱-۲۳۰).

محبوبی اردکانی به نقل از کتاب *مطلع الشمس* (جلد سوم، ص ۴۶) که در سال ۱۳۰۳ق نوشته شده آورده است: شیندلر ۱۸ سال است که به ایران خدمت می‌کند. (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۷، ج ۲: ۲۲۹) رایت درباره شیندلر می‌نویسد: «شیندلر به روایتی در ارتش ایران هم خدمت می‌کرده و در ناوگان کوچک شاه، درجه دریاسالاری داشت» (رایت، ۱۳۶۴: ۲۱۵).

«او میان سالهای ۱۹۰۲ تا ۱۹۱۱ به مقام افتخاری سرکنسولی سوئد رسید. در همین زمان

از سوی دولت ایران نشان شیر و خورشید و از سوی دولت بریتانیا نشان امپراتوری هند به او اهداء شد. در ۱۹۱۱م او به انگلستان رفت. «ویکی پدیا» وی که از بیماری نقرس رنج می‌برد، در ۱۵ یا ۱۶ ژوئن (نیک‌بین، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۲۵۲، ۲۴ سپتامبر) ۱۹۱۶ در هفتادسالگی در همان شهر فنسنتون در منطقه هانتس انگلستان درگذشت.

در این باره ادوارد براون (۱۹۲۶-۱۸۶۲م) می‌نویسد:

«آلبرت هوتوم شیندلر، بسیار اندک از خود و زندگی‌اش صحبت می‌کرد و آن اندک زندگی‌نامه موجود از ایشان نیز مربوط به گفته‌های پسرش ال. هوتوم شیندلر است که تا حدودی با او مرادوه داشتم.» (براون، ۱۳۸۷: ۴۴)

براون درباره فعالیت‌های علمی و تخصصی وی نوشته است:

«ژنرال سر آلبرت هوتوم - شیندلر در ۱۸۶۸ [در ۲۲سالگی] در سرویس تلگراف هند و اروپایی در ایران مشغول به کار شد. در آنجا، تحت نظارت کلنل سر جان بیتمن چمپین و دیگر مدیران سازمان، شایستگی خود را نشان داد. او در سال ۱۸۷۶، از کار خود استعفا داد و به‌عنوان مشاور مخبرالدوله در امور تلگراف مشغول شد؛ پس از مدتی وزیر تلگراف ایران شد و خطوط تلگراف بسیاری برای ایران طراحی کرد. او برای پیشبرد تلگراف و طرح‌های معدن و راه‌سازی، به دورافتاده‌ترین نقاط قلمرو شاهنشاهی سفر کرد. از این رهگذر، دانش بسیاری نسبت به جغرافیا و لهجه‌های مختلف ایران به دست آورد.

آلبرت هوتوم، در سال ۱۸۹۳، به‌عنوان نخستین مدیر بانک تازه‌تأسیس ایران (بانک شاهی) و مدیر فعالیتهای معدن کاوی در ایران معرفی شد. پس از مدتی، به مدیریت بازرسی بانک منصوب شد و پنج سال در آنجا خدمت کرد. سپس به‌عنوان مشاور ارشد، وارد امور خدماتی حکومتی شد؛ همزمان، مسؤولیت اداره گذرنامه تهران را نیز به عهده داشت.

هوتوم به خاطر خدماتش به دولت هند، در ادوار مختلف، به دریافت دیپلم‌های CIE، در سال ۱۹۰۰ و KCIE دو نشان شایستگی از امپراتوری هندوستان در سال ۱۹۱۱، نایل آمد. وی در سال ۱۹۱۱ [در ۶۵ سالگی]، بازنشسته شد و باقی عمر را در انگلستان گذراند.

هوتوم عضو انجمن جغرافیایی انگلیس، هلند، آلمان و اتریش، همچنین انجمن سلطنتی آسیایی و انجمن‌های زمین‌شناسی و حیات وحش اتریش بود. از آثار او در این زمینه، مقاله‌ای است که در آن، زندگی گونه‌های مختلف بز کوهی در جنوب ایران را بررسی کرده است. گونه جدیدی را که او مطالعه کرده بود، «تراگلاپوس هوتوم شیندلری» نام نهادند. (همان جا)

### فعالیت‌های فرهنگی

شیندلر را جزء محققانی می‌دانند که ادبیات فارسی را به اروپا برد. وی در زمان فعالیت خود به گوشه و کنار ایران سفر کرد و آگاهی‌های گسترده‌ای از دانش جغرافیا، تاریخ، فرهنگ، زبان و



تلگرافخانه تهران

موضوعات مربوط بدین سرزمین را گرد آورد. وی در زمان خود مرجع ارزنده‌ای برای پژوهشگران و مسافران و اهالی سیاست بود که علاقه‌ای به پژوهش در زمینه ایران داشتند. کتابها و نیز مقالات او در *دانشنامه بریتانیکا* گواه این سخن است.

ادوارد بروان در باره وی می‌نویسد: «در میان اروپاییان به ندرت می‌توان شخصیتی مانند آلبرت هوتوم یافت که چنین دانش عمیق و گسترده‌ای از ایران داشته باشد. هوتوم از آن دسته شخصیت‌های علمی و متواضعی بود که به علم بیش از انتشار آثار خود اهمیت می‌داد و در همه حال، آماده عرضه تمام دانسته‌های خود به شاگردانش بود» (براون، ۱۳۸۷: ۴۴).

همو می‌افزاید: «لرد کرزن (Lord Curzon)، از بی‌دریغ بودن او در نشر دانش، در مقدمه کتاب گرانقدر خود، *ایران (Persia)* (ج یک، ص ۱۳-۱۲، لندن، ۱۸۹۲) چنین نوشته است: "در شروع کار با اقتدار و در همراهی بی‌دریغ بود. ژنرال آ. هوتوم شیندلر یک نجیب‌زاده بود که در خدمت به فرهنگ ایران، در مشاغل مختلف، خدمات پرارزشی انجام داد. اگر کمک‌های بی‌دریغ او نبود، بدون شک من دچار مشکل و خطا می‌شدم. بسیار اندک‌اند کسانی که خود شایسته تألیف کتاب پرارزشی باشند، اما دیگران را یاری کنند تا کیفیت کتاب مشابهی را بهبود بخشند هوتوم شیندلر، نسبت به کسانی که از تهران بازدید می‌کردند و حتی کسانی که مدت زیادی در آنجا اقامت داشتند، مهمان‌نوازی خاصی داشت. برای این‌جانب سبب خرسندی بسیار بود که ایشان پس از بازگشت به کشور تصمیم گرفتند در فنسنتانتون اقامت گزینند که با کمبریج، ده مایل فاصله داشت و من می‌توانستم ایشان را ملاقات کنم. برای یک محقق که مدت زیادی جهت یافتن موضوع و مطالب مورد نظر خود وقت می‌گذارد، سخت‌ترین کار بخشیدن کتاب است؛ کاری که این دانشمند به راحتی انجام می‌دهد" (همان: ۴۵).

## سفرنامه شیندلر به خراسان



آلبرت هوتوم شیندلر  
به کوشش: فرشاد ابریشمی

در ترجمه فارسی کتاب کرزن که در ایران انجام شده، چنین مطلبی به صراحت نیامده است، اما اشاره‌ای وجود دارد. (کرزن، *ایران و قضیه ایران*، ج ۱: ۱۴) نیز آمده است: «بخش اعظم کتاب کرزن بر اساس نوشته‌های شیندلر استوار است». (تارنمای بنیاد بین‌المللی بختیاری <http://I.F.Bakhriar.com>)

محبوبی اردکانی هم در این باره می‌نویسد: «مقداری از کتب و آثار نفیس ایران را با خود به اروپا برده است... و رسائل و مقالات بسیار مفیدی راجع به ایران نوشته است و سرمایه عمده و بلکه غالب کتاب کرزن (*ایران و قضیه ایران*) از این شخص اخذ شده است» (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۷، ج ۲: ۲۲۹).

دنيس رایت هم به گونه‌ای دیگر دربارهٔ فعالیت‌های علمی شیندلر نوشته است: «شیندلر و رابینو در تهران از حسن توجه و اقبال عامه برخوردار بودند و جهانگردان به‌عنوان دو اروپایی آگاه و مطلع به دیدار آنها می‌شتافتند» (رایت، ۱۳۶۴: ۲۱۶).

## آثار

آثار گوناگونی که از وی به چاپ رسیده است، عبارت‌اند از:  
الف - سفرنامه

- ۱- سفر به مناطق ناشناخته خراسان، ۱۸۷۷-۱۸۷۶ (Reisen in unbekanntem Gegenden)  
(Chorasan's in 1876-77)
- ۲- سفر به جنوب غرب ایران (با ۲ نقشه)، ۱۸۷۸-۱۸۷۷ (Reisen im südwestlichen Persien)  
(sien (with 2 maps), 1877-1878)
- ۳- سفر به شمال ایران (با یک نقشه)، ۱۸۷۷ (Reisen im nördlichen Persien (with 1)  
(map), 1878)
- ۴- سفر به جنوب ایران (با یک نقشه)، ۱۸۷۹ (Reisen im südlichen Persien (with 1)  
(.map), 41879)
- ۵- سفر به شمال غرب ایران (با سه نقشه) ۱۸۸۲-۱۸۸۰.

۶- مسير مارکوپولو در جنوب ايران، ۱۸۸۱ / (Marco Polo's Itinerary in Southern Persia,) / ۱۸۸۱  
(1881).

۷- سفر دوم شاه به اروپا، ۱۸۷۹ / (The Shah's Second Journey to Europe in 1878,) /  
(London, 1879)

ب - گویش‌شناسی

۱- پارسیان ايران و زانشان، ۱۸۸۱ / (Die Parsen in Persien, ihre Sprachem u.s.w.,1) / ۱۸۸۱  
(1881).

۲- فرهنگ عبری - فارسی، ۱۹۱۹ / (Eine Hebräisch-Persische Handschrift, 1909) / ۱۹۱۹

۳- لهجه سمنانی، ۱۸۷۷ / (Der Semnánische Dialect, 1877) / ۱۸۷۷

۴- کلمه «گلی»، ۱۹۱۰ / (The Word 'Scarlet', 1910) / ۱۹۱۰

پ - ايران‌شناسی

۱- مطالبی درباره بلوچستان ايران، ۱۸۷۷. به قلم ال. هوتوم شیندلر، فرزند سر آلبرت هوتوم  
(Notes on Persian Balúchistán, 1877).

۲- ايران شرقی (با یک نقشه)، ۱۸۹۶، (Eastern Persian "Írāk (with 1 map), 1896)

۳- مطالبی درباره برخی یافته‌های باستان‌شناسی حوالی دامغان، ۱۸۷۶ (Notes on some)  
(Antiquities found near Dámghán, 1876)

۴- مطالبی درباره دماوند، ۱۸۸۸ (Notes on Damávand, 1888)

۵- مطالبی درباره رود کُر در فارس، ۱۸۹۱ (Notes on the Kur River in Fárs, 1891)

۶- مطالبی درباره صابئین، ۱۸۹۲ (Notes on the Sabaeans, 1892)

۷- مطالبی تاریخی در جنوب غرب ايران، ۱۸۷۸ (Historical Notes on South - Western Persia, 1878)

۸- دریاچه‌ای جدید میان قم و تهران (با نقشه)، ۱۸۸۸ (On the New Lake between Kum  
(and Teheran (with map), 1888)

۹- مطالعه عمیق تری درباره کردها، ۱۸۸۶ (Beiträge zum Kurd. Wortschatze, 1882)

۱۰- مطالبی درباره کردها، ۱۸۸۲ (Weitere Beiträge zum Kurd. Wortschatze, 1886)

۱۱- زمین‌شناسی شمال غرب ايران، ۱۸۸۲ (Geologie d. Gegend zwischen Sabzwár  
(und Mesched, 1886)

۱۲- زمین‌شناسی منطقه میان سبزوار و مشهد، ۱۸۸۶ (Geologie D. Gegend zwischen  
(Sabzwar und Mesched, 1886)

۱۳- اقلیم‌شناسی ايران، ۱۹۱۹ (Klimatafeln aus Persien, 1909)

۱۴- سیر نزولی مغولها در ایران، ۱۸۸۰ (Coinage of the Decline of the Mongols in Persia, 1880)

۱۵- مارکوپولو، آلبِر شِل و یادداشت‌های الموت، ۱۹۰۹ (Marco Polo's Arbre Sol, and Notes on Alamút, 1909)

ت - آثار گوناگون

۱- کنکاش در خزانه سلطنتی ایران، ۱۸۹۷ (Curiosities in the Imperial Persian Treasury, 1897)

۲- مطالب تازه‌ای درباره پژوهش بر روی کانی‌ها، ۱۸۸۱ (Neue Angaben über die Minerale Persiens, 1881)

۳- درباره مسافت فرسخ، ۱۸۸۸ (On the Length of the Farsakh, 1888)

۴- مارکوپولو، ۱۹۹۸ (Marco Polo's Camadi, 1898)

«سایر کتابها و نوشته‌های او در مجلات پژوهشی چاپ شده است. گزارش‌های ویژه‌ای درباره معدن فیروزه و مقالاتی در *دایرةالمعارف بریتانیکا* و نیز گزارش‌هایی برای وزارت خارجه و دولت هند نیز از او باقی مانده است.» (براون، ۱۳۸۷: ۴۶-۴۵) براون درباره مقاله «پارسیان ایران و زبانشان» می‌نویسد: «بهترین نوشته در مورد زرتشتیان ایران بوده است.» (براون، ۱۳۷۷: ۵۸۵۵)

نگاهی به کتابها و گفتارهای برجای مانده از شیندلر، نشانه‌ای از آگاهی کافی او از اوضاع سراسر ایران است که به‌واسطه اقامت طولانی‌مدت در ایران حاصل شده است، به‌ویژه آنکه او به‌خوبی به زبان فارسی سخن می‌گفت و در مسیرهایی که در گوشه و کنار ایران داشت، به‌خوبی با همراهان و رهگذران و ساکنان ارتباط برقرار می‌کرد و از سویی می‌دانیم که او حتی درباره گویش‌های گوناگون ایران نیز تحقیق کرده و مطالبی نگاشته است. همین امر بر میزان دقت او افزوده است.

براون درباره کتابخانه شخصی شیندلر می‌نویسد: «پس از درگذشت هوتوم شیندلر، همسرش کتابخانه او را به فروش گذاشت. من که از این امر آگاه شدم، توانستم کتابخانه او را همراه با کتابخانه فارسی‌اش در ۵ ژانویه ۱۹۱۷، خریداری کنم. باقی کتابهای او را هفر (W. Heffer) از کمبریج خرید.

شیندلر بارها کتابهایش را خوانده و در حاشیه آنها یادداشت‌هایی گذارده است. کتابها به مرور زمان بسیار فرسوده شده‌اند و من به دقت از آنها نگهداری می‌کنم. شیندلر پیش از فوت، قسمت زیادی از یادداشت‌هایش را از بین برد. فقط دست‌نوشته‌هایی درباره سنگهای گران‌بهای قم و کاشان و یادداشت‌هایی درباره خواجه رشیدالدین فضل‌الله از او باقی مانده است. من هرگز کتابخانه‌ای بدین کوچکی، حدود ۵۶ جلد نسخه خطی، و در عین حال این همه مفید برای مطالعه



در یک زمینه خاص ندیده‌ام... تعداد قابل توجهی از کتابهای او از کتابخانه دو شاهزاده معروف قاجار، فرهاد میرزا معتمدالدوله و بهمن میرزا بهاءالدوله جمع‌آوری شده‌اند» (همان: ۴۶).

## آثار شیندلر در ایران

۱- خاطرات سرتیپ هوتم شیندلر، ترجمه علیرضا بن محمدحسین بن کیخسرو بن فتحعلی‌شاه قاجار (تارنمای بنیاد بین‌المللی بختیاری <http://I.F.Bakhrirar.com>)

۲- سفر به جنوب ایران ۱۸۷۹، نگارش ۱۸۷۹ (۱۲۹۶ق). ترجمه فارسی این سفرنامه به صورت خطی در کتابخانه‌های مجلس شورای اسلامی (ش ۷۰۰) و ملک (ش ۶۲۸۷) به نامهای *سیاحت‌نامه* (در فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه دانشگاه تهران ج ۱ و ۳ به نام *سفرنامه قم و کاشان و یزد* و... آمده است) و *سفرنامه یزد* وجود دارد و یک بار به کوشش عباس سایبانی و زیر نظر ایرج افشار بر پایه نسخه مجلس شورا به نام «سفرنامه تلگرافچی» در *مجله فرهنگ ایران زمین* (ر.ک: کتابنامه) و یک بار هم به کوشش سعید خودداری نایینی به نام «سفرنامه بحرین» در *مجله پیام بهارستان* (ر.ک: کتابنامه)؛ هر دو بدون مقدمه و تعلیقات و غیره چاپ شده است. تصحیح آن همراه با مقدمه در شناسایی نسخه‌ها و نویسنده و تعلیقات چندگانه، مبنای پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته ایران‌شناسی نگارنده در بنیاد ایران‌شناسی به سال ۱۳۹۶ ش. است که قرار است از سوی مرکز کرمان‌شناسی چاپ شود. این سفرنامه حاصل مسافرت شیندلر برای کشیدن سیم تلگراف و بنیان تلگراف‌خانه از تهران تا بوشهر به دستور ناصرالدین شاه از ۱۶ ژانویه ۱۸۷۹ (۲۲ محرم ۱۲۹۶) تا ۱۱ ماه بعد بوده است.

خواننده از خلال کتاب *سفر به جنوب ایران ۱۸۷۹*، نه‌تنها با روستاها و جمعیت آن آشنا می‌شود، بلکه اطلاعات خوبی از شیوه معیشت و محصولات سرزمین، نوع روابط ارباب و رعیت و حتی میزان مالیات آن روستا یا شهر را در سالیان گذشته و حال را به دست می‌آورد. شیندلر زمین‌شناس و خاک‌شناسی دقیق است و حتی گیاه‌شناس. فرهنگی از نامهای گیاهی را می‌توان از این کتاب استخراج کرد و نیز روستاها و شهرهای معدن‌خیز کشور را شناخت و نوع آب و هوا و شیوه سکونت و دیگر موارد ملک‌داری و زندگی هر سامان را به دست آورد. شیندلر نه‌تنها جامعه‌شناسی خیره است و به خوبی تصویری از اوضاع اجتماعی و مردم‌شناسی هر سامان می‌دهد، بلکه سیاستمدار و نظامی کارکشته‌ای هم است و چنان به گزارش راهها، تنگه‌ها و گذرگاهها می‌پردازد که انگار مأموریت داشته وضع راهها را برای افسران بالادستی خود گزارش کند. نکته بارز کار شیندلر در هر مبحث، به‌ویژه مباحث اجتماعی این است که از جاده انصاف خارج نشده است و داوری‌های او درباره حقوق راهدارها و تفنگچی‌ها و غیره عادلانه است.

نگارنده فهرستی از نامهای انسانی، جغرافیایی و نام بناها و مکانهای این کتاب را استخراج

کرده است که اگر روزی به صورت کتاب چاپ شد، آنها را در پایان کتاب بیاورد. بر پایه این فهرست، شیندلر در این کتاب ۷۰ صفحه‌ای نام ۱۲۲ تن از بزرگان و افراد سیاسی و اجتماعی و سرشناسان هر دیار را آورده است؛ نام ۴۲ گروه، ایل و طایفه مانند: افشار، بهارلو، زرتشتی و غیره را درج کرده است. ۲۰ محصول طبیعی، معدنی و دستی ولایات را نام می‌برد. اشاره به نام حدود ۵۰۰ روستا، آبادی و شهر دارد، به شرح و گزارش حدود ۴۴۰ بنا و مکان تاریخی، جغرافیایی، باستانی و معمولی ایران پرداخته است و تقریباً درباره هر کدام اطلاعات خوبی داده است.

ایرج افشار در سه جا اشاره به ویژگی این سفرنامه دارد؛ نخست در جهان نو می‌نویسد: «این سفرنامه حاوی مطالب شیرین و خواندنی است که بعضی از آنها جنبه تاریخی دارد... و متضمن بعضی نکات اجتماعی و وضع شهرهاست». (افشار، ۱۳۳۷: ۲۹۷) و سپس در *سواد و بیاض* می‌نویسد: «قسمت عمده این رساله به وصف شهرها و مردم اختصاص دارد که بسیار جالب توجه است». (افشار، ۱۳۴۴: ۲۳۷) و بار دیگر در کتاب *یادگارهای یزد* که چنین آورده است: «مطالبی که در این سیاحت‌نامه راجع به یزد و آبادی‌های آن آمده، مفید است» (افشار، ۱۳۷۴: ۱: ۶۷۲).

سعید خودداری درباره این سفرنامه می‌نویسد: «مؤلف علاوه بر ویژگی‌های راه و طبیعت آن و جمعیت و مالیاتها، معادن و کوهها و تولیدات و محصولات و اوضاع اقتصادی به خصوص شهرهای بزرگ را پرس‌وجو کرده است. تاریخ آثار و کتیبه‌ها را به همان شکل هجری آورده و برای آثار تاریخی از منابع تاریخی فارسی و شاید عربی استفاده کرده است. یکی از نکته‌های دیگر این متن، سعی در تبیین یا ایجاد معانی برای اسامی شهرهاست که بر پایه شنیده‌ها به تخیل خود پرداخته است» (شیندلر، ۱۳۹۱: ۷۷).

۳- *سفرنامه تهران به شاهرود و طوس*، نگارش ۱۸۷۶ (۱۲۹۳ق) نسخه خطی کتابخانه دانشکده حقوق دانشگاه تهران، شماره ۱۷۰ و فیلم شماره ۲۲۱۱ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (دانش پژوه، ۱۳۴۸: ۱۱۸) که دو بار در ایران به نام *سفرنامه خراسان* چاپ شده است. یک بار به کوشش قدرت‌الله روشنی زعفرانلو در کتاب *سه سفرنامه* به سال ۱۳۶۵ و بار دیگر به کوشش فرشاد ابریشمی در سال ۱۳۹۶. این کتاب نیز حاصل مسافرت او از تهران تا مشهد برای کشیدن سیم تلگراف و تأسیس تلگراف‌خانه است.

روشنی زعفرانلو در دیباچه *سه سفرنامه* درباره *سفرنامه خراسان* اثر شیندلر می‌نویسد: «سفرنامه خراسان، حاصل مشاهدات و نظر یکی از افراد دقیق اروپایی است که برای کشیدن سیم تلگراف بین تهران و مشهد مأموریت داشته و به حال ایران خوب آشنا بوده و با دقت در جزئیات تا آنجا که مجال مطالعه و دیدن برای او بوده. وضع اجتماعی آبادی‌های بین تهران و مشهد را دقیقاً مطالعه و یادداشت کرده است. با این رساله می‌توان تمام آبادی‌های سر راه تهران-مشهد را شناخت و آثار و خصوصیات آنها را دانست، زیرا مؤلف در معرفی امامزاده‌ها، مسجدها، حمامها،

دروازه‌ها، کاروانسراها و امثال اینها سعی و التزام به خصوص داشته است، به علاوه دقت داشته است که عمارات را که ساخته و که تعمیر کرده است. در هر جا که مناسبت داشته از وضع اجتماعی و چگونگی زندگی و گذران مردم، مختصری نوشته و تعدیات حکام و گرفتن پول گزاف زیاده از اندازه را شرح داده است، طرز تملک، تیول‌داری و آثار مترتب بر آن، زندگی شبانی و چادرنشینی، سلطه فئودالیسم و فقر مردم از موضوعاتی است که همه جا مورد نظر او بوده است... به هر حال مطالبی که شیندلر، نود و پنج سال پیش نوشته است، اکنون هم قابل تحقیق است و اگر امروز هم از همه آبادی‌های ایران چنین اطلاعاتی در دست بود، شناسایی ما نسبت به وطن عزیزمان خیلی بیشتر بود» (روشنی زعفرانلو، ۱۳۵۶: ۱۶ و ۱۸).

۴- سفرنامه دوم ناصرالدین شاه به زبان انگلیسی که یک سال پس از مسافرت او به اروپا منتشر شده است. (غلامی جلیسه، تارنمای کتابخانه مجلس شورای اسلامی)

۵- مطبوعه‌های ایران و کتب چاپ‌شده در فاصله سالهای ۱۲۳۳ تا ۱۲۶۰ ق. (بابازاده، ۱۳۸۱: ۷۰۷) سحاب می‌نویسد: «هوتوم شیندلر، ایران‌شناس قرن نوزدهم است... و کتابی در باب ایران آن زمان نوشته. او راجع به مطابع و چاپخانه‌ها و کتب چاپ‌شده اولیه در ایران و قسمت تیپوگرافی (چاپ حروفی) و کتابهایی که از سال ۱۲۳۳ تا ۱۲۶۰ به چاپ رسیده، نگارش‌هایی دارد» (سحاب، ۱۳۵۶: ۹۸-۹۹).

توضیح آنکه، جان شیندلر نویسنده کتاب *منتخب‌التواریخ*، کس دیگری است (ر.ک: درایتی، ۱۳۹۲، ج ۳۱: ۷۶۳).

## کتابنامه

### الف - کتاب

اعتصامی، یوسف. (۱۳۱۱)، *فهرست نسخه‌های کتابخانه مجلس شورای ملی*، جلد دوم، تهران: کتابخانه مجلس شورای ملی.

افشار، ایرج. (۱۳۴۴)، *سواد و بیاض*، جلد اول، تهران: دهخدا.

\_\_\_\_\_ . (۱۳۷۴)، *یادگارهای یزد*، جلد اول و دوم، چاپ دوم، یزد: خانه کتاب یزد و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

افشار، ایرج و دیگران. (۱۳۶۱)، *فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملک*، جلد سوم، تهران: کتابخانه ملی ملک.

جمال‌زاده، محمدعلی. (۱۳۷۶)، *گنج شایگان، اوضاع اقتصادی ایران*، [چاپ دوم] تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.

دانش‌پژوه، محمدتقی. (۱۳۴۸ و ۱۳۶۳)، *فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران*، جلد اول و سوم، تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

درایتی، مصطفی. (۱۳۹۱ و ۱۳۹۲)، *فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)*، جلد ۹ و ۳۱، تهران: کتابخانه ملی ایران. رایت، دنیس. (۱۳۶۴)، *انگلیسی‌ها در میان ایرانیان*، ترجمه اسکندر دلد، تهران: نهال.

رودگر کیا دارا، ایرج. (۱۳۸۵)، *سیراستعمار انگلیس در ایران*، تهران: آبی.  
روشنی زعفرانلو، قدرت‌الله. (۱۳۵۶)، *سه سفرنامه (هرات، مرو، مشهد)*، چاپ دوم، تهران: توس.  
سحاب، ابوالقاسم. (۱۳۵۶)، *فرهنگ خاورشناسان*، چاپ دوم، تهران: سحاب.  
شیندلر، آلبرت هوتوم. (۱۳۹۶)، *سفرنامه شیندلر*، به کوشش فرشاد ابریشمی، تهران: ابریشمی.  
[شیندلر، آلبرت هوتوم]. (بی‌تا)، *سفرنامه یزد*، ترجمه نامعلوم، نسخه خطی کتابخانه ملی ملک، شماره ۶۲۸۷.  
----- (بی‌تا)، *سیاحت‌نامه*، ترجمه نامعلوم، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۷۰۰.

کرزن، جرج ناتانیل. (۱۳۶۷)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، جلد دوم، تهران: علمی و فرهنگی.

محبوبی اردکانی، حسین. (۱۳۵۷)، *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران*، جلد دوم، تهران: دانشگاه تهران.  
منزوی، احمد. (۱۳۵۴)، *فهرست نسخه‌های خطی فارسی*، جلد ششم، تهران، مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای.  
نیک‌بین، نصرالله. (۱۳۸۰)، *فرهنگ جامع خاورشناسان مشهور و مسافران به مشرق‌زمین*، جلد دوم، تهران: آرون و انتشار.

هدایت، مهدیقلی. (۱۳۴۴)، *خاطرات و خطرات*، چاپ دوم، تهران: زوار.

## ب- مقاله

افشار، ایرج. «سفرنامه تلگرافچی»، *جهان نو*، سال ۳، شماره ۱۲، ۱۳۳۷، صص ۲۹۹-۲۹۷.  
بابازاده، شهلا. «چاپ سربی»، *دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی*، زیر نظر عباس حرّی، جلد اول، ۱۳۸۱، صص ۷۰۸-۷۰۶.

براون، جی ادوارد گرانویل. «نسخه‌های خطی سر آلبرت هوتوم شیندلر»، ترجمه محمدحسین مرعشی، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، شماره ۱۱۱، ۱۳۸۷، صص ۴۶-۴۴.

----- «نسخه‌های خطی هوتوم شیندلر»، ترجمه آوانس آوانسیان، نامواره دکتر محمود افشار

یزدی. به کوشش ایرج افشار، جلد دهم، ۱۳۷۷، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.

[شیندلر، آلبرت هوتوم]. «سفرنامه بحرین یا گزارش مأموریت کشیدن سیم تلگراف»، به کوشش سعید خودداری

نایینی، *پیام بهارستان*، دوره ۲، سال ۴، شماره ۱۳۹۱، ۱۶، صص ۱۱۷-۷۶.

[شیندلر، آلبرت هوتوم]. «سفرنامه تلگرافچی»، به کوشش عباس سایبانی، با دیباچه ایرج افشار، *فرهنگ ایران*

زمین، ۱۳۵۲، ۱۹، صص ۲۶۰-۱۸۳.

غلامی جلیسه، مجید. «سفر و سفرنامه‌های ناصرالدین شاه به فرنگ»، *تارنمای کتابخانه مجلس شورای اسلامی*.

Schindler, Albert. Houtom: *Reisem im Sudlichen Persien 1879*. Berlin: Reimer. 1881.

## اینترنت

ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد، ذیل شیندلر. <https://wiki.org.wikipedia/fa/>

بنیاد بین‌المللی بختیاری <http://I.F.Bakhriar.com>